

Criteria of Attribution of Responsibility for Peace-Keeping Operations

(Type of Paper: Research Article)

Hossein Rezazadeh *

Abstract

Maintaining peace and security is one of the main goals of the United Nations. The United Nations created peace-keeping operations to maintain, restore and consolidate peace. In spite of the important role they play in maintaining and restoring peace, peacekeepers have committed violations of human rights and humanitarian law. Considering that the sending State of the peacekeeping forces still retains some qualifications, the fundamental question of the research is that if there is a violation of human rights and humanitarian law, what is the criterion for attributing responsibility? Despite the numerous judicial decisions issued in this regard, according to the Draft Articles on the International Law Commission on the Responsibility of International Organizations and judicial procedures, it seems that the effective control criteria of attributing of responsibility for peace-keeping operations is more than any other criteria are the subject of judicial action.

Keywords

Peacekeeping Operations, Overall Control, Effective Control, Effective Overall Control, Ultimate Control.

* Assistant Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author). Email: h.rezazadeh69@yahoo.com
Received: February 18, 2018 - Accepted: July 3, 2018



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ملاک انتساب مسئولیت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

حسین رضازاده*

چکیده

حفظ صلح و امنیت از اصلی‌ترین اهداف سازمان ملل متحد است. سازمان در راستای حفظ، اعاده و تحکیم صلح عملیات حفظ صلح را ایجاد کرد. با این حال مأموران حفظ صلح با وجود نقش مهمی که در حفظ و اعاده صلح ایفا کرده‌اند، بعضاً مرتکب نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شده‌اند. با توجه به اینکه دولت ارسال‌کننده نیروهای حافظ صلح همچنان برخی صلاحیت‌ها را برای خود حفظ می‌کند، مسئله اساسی تحقیق این است که در صورت نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ملاک انتساب مسئولیت چیست. با وجود آرای قضایی متعدد صادرشده در این مورد، طبق طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و رویه قضایی، به نظر می‌رسد معیار کنترل مؤثر برای انتساب مسئولیت در عملیات حفظ صلح بیش از سایر ملاک‌ها مورد توجه رویه قضایی است.

کلیدواژگان

عملیات حفظ صلح، کنترل کلی، کنترل مؤثر، کنترل کلی مؤثر، کنترل نهایی.

* استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
Email: h.rezazadeh69@yahoo.com

مقدمه

در مورد انتساب یا عدم انتساب اعمال گروه‌های شورشی به یک دولت با توجه به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا و رأی دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ، معیار کنترل مؤثر و کنترل کلی مورد بحث قرار گرفته است.^۱ اما زمانی که سازمان ملل به‌عنوان تابع فعال پا در عرصه حقوق بین‌الملل گذاشت، تصور نمی‌رفت نهادی که خود در راستای حفظ صلح، امنیت و ارتقای احترام به حقوق بشر به‌وجود آمده است، زمانی فرا برسد که در راستای انجام اهدافش، مرتکب اقداماتی شود که نه تنها تأمین‌کننده اهدافش نیست، بلکه نقض قواعد حقوق بین‌الملل نیز محسوب شود؛ حتی در مواردی خود سازمان هم به آن معترف بوده است.^۲

در مورد سازمان‌های بین‌المللی بعضاً دولت‌ها یا سایر سازمان‌های بین‌المللی، ارگان یا نماینده‌ای را در خدمت یک سازمان بین‌المللی قرار می‌دهند؛ برای مثال در مورد عملیات نظامی سازمان ملل متحد که به‌عنوان عملیات حفظ صلح انجام می‌گیرد، می‌توان شاهد این موارد بود؛ به‌خصوص در این عملیات هنوز بخشی از صلاحیت‌ها برای دولت ارسال‌کننده نیرو نیز باقی می‌ماند (ILC, 2011: 20). در این موارد سؤال اساسی این است که اعمال انجام‌گرفته به کدام تابع حقوق بین‌الملل (دولت ارسال‌کننده نیرو یا سازمانی که نیرو را به خدمت می‌گیرد) قابل انتساب است؟ و چه معیاری در حقوق بین‌الملل برای انتساب عمل و مسئولیت وجود دارد؟

پس از گذشت مدتی طولانی از تهیه سند پیش‌نویس طرح «مسئولیت دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه» در سال ۲۰۰۱ میلادی، کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ طرح پیش‌نویس «مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی» را ارائه کرد. مهم‌ترین عاملی که موجب کنسید عملکرد

۱. برای مطالعه در این مورد ر.ک:

Antonio Cassese, *The Nicaragua and Tadić Tests Revisited in Light of the ICJ Judgment on Genocide in Bosnia*, *The European Journal of International Law*, Vol. 18, No. 4, EJIL 2007

سیفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰۲-۲۸۵.

۲. با آنکه تاکنون بیش از نیم قرن از فعالیت نیروهای حافظ صلح به مناطق بحران‌زده می‌گذرد و بیش از شصت عملیات صورت گرفته است، اما شاهد گزارش نقض قواعد حقوق بین‌الملل توسط نیروهای حافظ صلح هستیم.

برای توضیح بیشتر در این مورد ر.ک: زمانی و صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۴۴.

۳. برای نمونه سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای پشیمانی عمیق خود را در مورد از دست دادن جان افراد و خساراتی که در نتیجه شیوع بیماری وبا در هاییتی حادث شد، ابراز کرد. دبیر کل در این مورد اذعان می‌دارد:

«من از طرف سازمان ملل رسماً و آشکاراً مراتب عذرخواهی خود را به مردم هاییتی اعلام می‌دارم.»

Remarks of the Secretary-General, 1 December 2016. retrieved from <https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2016-12-01/secretary-generals-remarks-general-assembly-new-approach-address>.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه این سند شد، کمبود رویه بین‌المللی سازمان‌ها بوده است. به همین سبب، چارچوب اصلی و راهنمای کمیسیون در طرح پیش‌نویس مربوط به سازمان‌های بین‌المللی، طرح پیشین کمیسیون در مورد دولت‌ها بوده است (زمانی، ۱۳۹۲: ۳۱۶). کمبود رویه در این مورد به تشتت رویه قضایی در زمینه انتساب مسئولیت به سازمان یا دولت‌های تأمین‌کننده نیروهای حافظ صلح منجر شد. اما پس از نهایی شدن طرح اخیر، به‌نظر می‌رسد محاکم بین‌المللی در راستای همگام‌سازی رویه قضایی با طرح کمیسیون هستند. از این‌رو در نوشتار پیش رو ابتدا ملاک‌های متعددی که مورد توجه رویه قضایی بوده مطرح می‌شود، سپس همگامی رویه قضایی با پیش‌نویس طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد.

تشتت آرای قضایی

طبق ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی عمل ارگان یک دولت، ارگان یا نماینده یک سازمان بین‌المللی که در اختیار سازمان بین‌المللی دیگر قرار می‌گیرد، باید عمل سازمان اخیر محسوب شود، مشروط بر اینکه سازمان کنترل مؤثری بر عمل مذکور داشته باشد. همان‌طور که از ماده ۷ برمی‌آید، معیاری که کمیسیون حقوق بین‌الملل در انتساب عمل به سازمان برگزیده، معیار کنترل مؤثر است (ILC, 2011:19). اما سؤال مهم در این زمینه این است که ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی تدوین عرف بین‌المللی بوده و به‌عنوان یک قاعده حقوقی الزام‌آور است یا کمیسیون در جهت توسعه حقوق بین‌الملل گام برداشته است؟ بررسی رویه قضایی به شرح زیر نشان می‌دهد تشتت آرا در این زمینه احراز عرف در این موضوع را دشوار می‌سازد.

در پرونده لوئیزیانو علیه ترکیه دیوان اروپایی حقوق بشر با مسئله تعیین معیار برای انتساب عمل مواجه بوده است. البته پرونده اخیر مربوط به انتساب عمل به یک دولت است؛ با این حال معیار مطرح‌شده در این رأی، برای انتساب عمل به سازمان‌های بین‌المللی نیز قابل تسری است. در این پرونده شخصی به نام لوئیزیانو (که با تابعیت قبرس، در کرنیا واقع در شمال قبرس زندگی می‌کرده) مدعی بوده که با داشتن سند مالکیت، مالک چند قطعه زمین در کرنیاست. خانم لوئیزیانو مدعی بود که نیروهای نظامی ترکیه با اشغال شمال قبرس، مانع از دسترسی وی به اموالش شده‌اند. علاوه بر این به‌دلیل شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز، توسط نیروهای ترک دستگیر شده، پس از بازداشت ده‌ساعته، در حدود نیمه‌شب آزاد می‌شود (ECtHR, 1996: paras.11-14). در این پرونده دیوان برای انتساب عمل از معیار کنترل کلی مؤثر استفاده می‌کند. آستانه این معیار چیزی میان کنترل کلی و کنترل مؤثر است (الهوئی نظری و جلالی، ۱۳۹۶: ۷۳۹).

کنترل کلی مؤثر توسط دیوان اروپایی حقوق بشر تعریف و تشریح نشد. اما با ملاک قرار دادن پرونده لوئیزیانو می توان دریافت که چنین معیاری معمولاً در عملیات نظامی یا حضور نیروهای نظامی خارجی (چه به صورت قانونی یا غیرقانونی) قابلیت اعمال پیدا می کند. دادگاه اشاره می کند که قدرت خارجی با شمار زیاد نیروهایش و گشت زنی مداوم و تعبیه ایست بازرسی در تمامی خطوط ارتباطی، بر امور سرزمین تحت تصرف تسلط داشته است. از این رو قدرت خارجی بر راه های ارتباطی کنترل داشت و بر مناطق راهبردی نظارت می کرد (ECtHR, 1996: para.16). با این حال دادگاه عنوان می کند که برای انتساب اعمال به قدرت خارجی نیازی نیست که قدرت اخیر کنترل دقیقی بر فعالیت ها و سیاست های سرزمین تحت تصرف داشته باشد. به نظر می رسد با ذکر عبارت اخیر دادگاه به دنبال تفکیک معیار کنترل کلی مؤثر از کنترل مؤثر باشد؛ بدین معنا که نیاز نیست تا عملکرد نیروهای خارجی در هر مورد به دستور دقیق قدرت خارجی باشد. از طرف دیگر، در معیار کنترل کلی (که در ادامه تشریح می شود) نیازمند تجهیز، تأمین مالی، پشتیبانی و همچنین طراحی کلی عملیات است، اما در اینجا حضور گسترده نیروهای خارجی و کنترل راه های مواصلاتی و مناطق راهبردی فراتر از کنترل کلی است. بنابراین آستانه کنترل کلی مؤثر کمتر از کنترل مؤثر و فراتر از کنترل کلی است (Stefan talmon, 2009: 511). بدین ترتیب دیوان در این مورد اذعان می دارد که نیازی نیست مشخص شود آیا ترکیه بر سیاست ها و اقدامات مقامات دولتی در سرزمین های اشغالی، کنترل دقیقی داشته است. شمار زیاد نیروهای نظامی ترکیه نشان می دهد که این نیروها کنترل کلی مؤثری بر بخشی از سرزمین داشته اند. ممانعت مداوم نیروهای ترکی، از دسترسی خانم لوئیزیانو به اموالش نمایانگر این است که عمل منتسب به ترکیه است (ECtHR 1996: paras.56-57).

پرونده دیگر مورد بحث در این زمینه، پرونده آگیم بهرامی و یکیر بهرامی علیه فرانسه و سراماتی علیه فرانسه، آلمان و نروژ است. در ۱۱ مارس ۲۰۰۰، فرزندان آقای بهرامی روی تپه های شهر میترویکا مشغول بازی بودند. تعدادی بمب های خوشه ای منفجر نشده در آن منطقه وجود داشت که حاصل بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹ است. با اعتقاد به پاکسازی منطقه از بمب ها، یکی از پسران بمب را به آسمان پرتاب می کند ناگهان بمب در آسمان منفجر شده و به کشته شدن گاداف بهرامی و جراحات بکیم بهرامی منجر می شود (ECtHR, 2007: para.5).
مأمور سازمان ملل متحد در کوزوو به بررسی این موضوع می پردازد و در گزارش ۱۸ مارس ۲۰۰۰ اعلام می کند که این حادثه قتل غیر عمدی است که به واسطه بی احتیاطی واقع شده است (ECtHR 2007: para.6).

در ۲۲ می ۲۰۰۰ دادستان کل منطقه نامه ای به آقای بهرامی می نویسد و اعلام می کند که شواهد نشان می دهد انفجار بمب های خوشه ای اتفاق بوده است و اتهامات جنایی را به دنبال

نخواهد داشت، با این حال آقای بهرامی حق دارد ظرف مدت هشت روز، به پیگرد قانونی این حادثه بپردازد. در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۱ آقای اگیم بهرامی در دفتر اعاهای کوزوو شکایت می‌کند که فرانسه به قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت توجه نکرده است. دفتر اعاهای کوزوو شکایت را به نیروهای فرانسوی دفتر ادعاهای دولت مشارکت‌کننده ارسال کرد. در ۵ فوریه ۲۰۰۳ دفتر ادعاهای دولت مشارکت‌کننده با رد شکایت اعلام کرد طبق قطعنامه ۱۲۴۴ نیروهای ناتو در کوزوو مسئولیت نظارت بر پاکسازی مین‌های منطقه را به‌عهده داشتند تا زمانی که مأموریت سازمان ملل متحد در کوزوو این مسئولیت را به عهده بگیرد. از تاریخ ۵ جولای ۱۹۹۹ این انتقال مسئولیت محقق شده و از این رو مسئولیت در این مورد بر عهده سازمان ملل است (ECtHR, 2007: para. 7).

در مورد آقای سراماتی در ۲۴ آوریل ۲۰۰۱ به اتهام شروع به قتل عمد و تملک غیرقانونی اسلحه توسط مأمور سازمان ملل متحد در کوزوو دستگیر شد. در ۲۳ می ۲۰۰۱ علیه وی کیفرخواست صادر شد و در ۴ ژوئن ۲۰۰۱ دیوان عالی دستور آزادی وی را صادر کرد و به متهم اجازه تجدیدنظرخواهی داده شد (ECtHR, 2007: para. 8). در ۱۳ جولای ۲۰۰۱ به دستور رئیس نیروهای ناتو در کوزوو که افسر نروژی بود، مأموریت سازمان ملل متحد در کوزوو مجدداً سراماتی را دستگیر می‌کنند (ECtHR, 2007: para. 9).

در پاسخ به اعتراض نماینده (وکیل) سراماتی در مورد بازداشت وی، نماینده نیروهای ناتو در کوزوو اعلام داشت طبق قطعنامه ۱۲۴۴ برای حفظ امنیت منطقه و حمایت از نیروهای ناتو در کوزوو می‌توانند مبادرت به بازداشت افراد کنند. همچنین نیروهای ناتو در کوزوو مدعی بودند که اطلاعاتی دارند که نشان می‌دهد آقای سراماتی در عملیات گروهی مسلحانه در مرزهای کوزوو و مقدونیه دخالت داشته است و تهدیدی علیه امنیت نیروهای ناتو در کوزوو به حساب می‌آید (ECtHR, 2007: para. 11). در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲ آقای سراماتی به اتهامات مذکور با توجه به قانون کیفری کوزوو محاکمه شد، اما در نهایت از اتهامات مذکور تبرئه شد و دیوان عالی در ۹ اکتبر ۲۰۰۲ با اسقاط تمامی اتهامات، حکم آزادی وی را صادر کرد (ECtHR, 2007: para.16).

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده اخیر با این مسئله مواجه بوده است که اعمال مذکور به دولت‌های ارسال‌کننده نیرو یا سازمان ملل که نیروها را به خدمت می‌گیرند منتسب می‌شود؟ در واقع باید از چه معیاری برای انتساب اعمال استفاده کرد تا مشخص شود که اعمال انتسابی به کدامیک از تابعان مذکور قابل انتساب است؟

دیوان در این رأی برای انتساب عمل از معیار کنترل نهایی استفاده کرده و استدلال خود را بر مبنای اعطای نمایندگی از طرف شورای امنیت بنا نهاده است. دیوان برای تحقق نمایندگی و

متعاقباً اعمال معیار کنترل نهایی پنج فاکتور را مدنظر قرار داد؛ اول اینکه فصل هفتم منشور ملل متحد به شورای امنیت اجازه می‌دهد که به دولت‌ها یا سایر سازمان‌های بین‌المللی نمایندگی اعطا کند؛ دوم صلاحیت‌های اعطاشده به نماینده باید قابل تفویض باشند؛ سوم تفویض اختیار نباید به‌طور فرضی و ضمنی صورت گیرد، بلکه باید از قبل و به‌صورت صریح انجام گیرد؛ چهارم قطعنامه‌ای که در زمینه اعطای نمایندگی تعبیه می‌شد، باید به‌طور دقیق حد و حدود این نمایندگی را مشخص کند؛ پنجم فرماندهی نیروهای نظامی باید طبق قطعنامه ملزم شود که به شورای امنیت گزارش دهد (ECtHR, 2007: para.134). همچنین تفاوت قطعنامه ۱۲۴۴ در اعطای نمایندگی، در به‌کارگیری معیار کنترل نهایی توسط دیوان بی‌تأثیر نبوده است. بدین معنا که در سایر قطعنامه‌ها اغلب برای نمایندگی محدوده زمانی معین می‌شده است، اما در این قطعنامه مقرر شده که نمایندگی ادامه دارد تا شورای امنیت در مورد پایان آن تصمیم بگیرد و لذا وتوی یکی از اعضای دائم شورای امنیت می‌تواند مانع پایان یافتن نمایندگی در کوزوو شود، بنابراین کنترل نهایی این عملیات با شورای امنیت است (Kjetil Mujezinović Larsen, 2008: 523). با مقایسه پرونده اخیر با پرونده لوئیزیانو علیه ترکیه دو نکته مطرح می‌شود:

نکته اول در مورد ارتباط کنترل نهایی با کنترل مؤثر یا کنترل کلی است. اصطلاح کنترل نهایی که در پرونده بهرامی و سراماتی توسط دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد، هیچ سابقه‌ای در حقوق بین‌الملل نداشت؛ نه در رویه قضایی بین‌المللی و نه در فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل (در پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها و پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی که تا آن زمان تصویب شد)، هیچ اشاره‌ای به این معیار نشده بود. روشن است که معیار کنترل نهایی متفاوت از کنترل مؤثر است. بی‌گمان منظور از کنترل نهایی کنترل انحصاری نبوده است، چراکه شورای امنیت اساساً چنین کنترلی بر نیروهای ناتو در کوزوو نداشته است. همچنین با توجه به اینکه منظور دادگاه از کنترل نهایی، متفاوت از معیار کنترل کلی بوده است، دادگاه توضیح نمی‌دهد که چرا از معیار کنترل کلی (که در ادبیات حقوقی سابقه داشته) استفاده نکرده است؟

دومین مسئله این است که با توجه به شباهت میان پرونده لوئیزیانو علیه ترکیه با پرونده بهرامی و سراماتی چرا دیوان از دو معیار متفاوت استفاده می‌کند؟ در واقع از جمله انتقادات وارد به رأی بهرامی و سراماتی، این است که با وجود شباهت بسیار میان این پرونده و پرونده لوئیزیانو علیه ترکیه، دادگاه از دو معیار متفاوت برای انتساب عمل استفاده کرد. در پرونده لوئیزیانو دیوان معتقد است با اعمال معیار کنترل کلی مؤثر، اعمال ارتكابی در سرزمین اشغالی به نیروهای ترک به‌عنوان قدرت اشغالگر منتسب است. در قیاس با پرونده بهرامی و سراماتی، دیوان در پرونده اخیر اگرچه از عنوان اشغال سرزمین در مورد کوزوو استفاده نمی‌کند، اداره این سرزمین توسط سازمان ملل، وضعیتی قابل قیاس با اشغال سرزمین را به‌وجود می‌آورد،

چراکه در هر دو پرونده، نیروی خارجی کارکردهای اصلی دولت را در یک سرزمین به عهده می‌گیرند. از این رو دادگاه توضیح نمی‌دهد که تفاوت میان پرونده‌های مذکور چه بوده که معیارهای متفاوتی را در مورد آنها اعمال کرده است. نتیجه این دوگانگی این می‌شود که در صورتی که دولتی با اشغال نظامی کنترل دولت دیگر را به عهده گیرد، دادگاه معیار کنترل کلی مؤثر را اعمال می‌کند، اما اگر نهادی با مجوز شورای امنیت اداره دولت دیگر را به دست گیرد، دادگاه معیار دیگری را ملاک قرار می‌دهد که این نتیجه‌گیری چندان منطقی به نظر نمی‌رسد (Kjetil Mujezinovi & Larsen, 2008: 522).

از دیگر پرونده‌هایی که معیار متفاوتی نسبت به پرونده‌های مذکور برای انتساب مسئولیت برگزید، پرونده نوهانویچ علیه هلند است. در ۱۲ جولای ۱۹۹۵ حسن نوهانویچ به عنوان مترجم در کنار سایر پناهندگان در اردوگاهی بوده که تحت حمایت مبارزان هلندی قرار داشته است. بعد از سقوط سربرنیتسا صرفاً کارکنان محلی که در خدمت نیروهای هلندی بودند یا کسانی که دارای کارت شناسایی سازمان ملل متحد بودند می‌توانستند در اردوگاه اسکان کنند. از این رو ابرو، نسیحا و محمد نوهانویچ که به ترتیب پدر، مادر و برادر حسن نوهانویچ بودند، به اجبار از اردوگاه اخراج شد و متعاقباً کشته شدند. پرونده دوم توسط اقوام ریزو مستفیج مطرح شد. وی از سال ۱۹۹۴ فعالیت‌های برقی مبارزان هلندی را انجام می‌داد. بعد از سقوط سربرنیتسا وی به همراه خانواده‌اش به دنیال پناهنده شدن در اردوگاه بود که برخلاف میلش از اردوگاه اخراج و متعاقباً کشته می‌شود (ECtHR, 2013: para. 105). در هر دو پرونده موضوع ادعای خواهان این بوده که دولت هلند مرتکب عمل غیرقانونی شده و می‌بایست خسارت زیان دیدگان را جبران کند.

در سپتامبر ۲۰۰۸ دادگاه منطقه‌ای لاهه در پرونده نوهانویچ اگرچه به صراحت از معیار کنترل کلی نام نمی‌برد، از عباراتی استفاده می‌کند که نشان می‌دهد سازمان ملل کنترل کلی بر نیروهای حافظ صلح هلندی اعمال می‌کرد (Andre Nollkaemper, 2011: 1147). دادگاه عنوان می‌دارد با توجه به مسئولیت اصلی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی،^۲ شرکت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل در چارچوب فصل هفتم منشور، به‌طور ضمنی به معنای انتقال (کنترل و فرماندهی عملیاتی) نیروها به سازمان ملل است. البته در این موارد تصمیم‌گیری در مورد مسائل شخصی نیروها، عقب‌نشینی نیروها و... به سازمان انتقال نمی‌یابد (District Court in The Hague, 2008: para 4.9). طبق رأی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ برای تحقق آستانه لازم برای معیار کنترل کلی صرف تجهیز،

1. overall control

۲. البته دادگاه از مسئولیت انحصاری (exclusive responsibility) شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت صحبت می‌کند، اما با توجه ماده ۲۴ منشور ملل متحد به نظر می‌رسد مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت با شورا باشد نه انحصاری.

تأمین مالی یا آموزش و ارائه پشتیبانی عملیاتی به گروه کفایت نمی‌کند، بلکه به هماهنگی یا کمک به برنامه‌ریزی عمومی فعالیت‌های نظامی یا شبه‌نظامی نیز نیاز است و از این‌رو در کنترل کلی نیازی به صدور دستور برای انجام عملیاتی خاص نیست (ICTY, 1999: para. 131). با توجه به این مؤلفه‌ها نه تنها تجهیز، تأمین مالی و پشتیبانی عملیاتی نیروهای هلندی با سازمان ملل بوده، بلکه فعالیت‌های نظامی با هماهنگی سازمان انجام می‌گرفته و لذا با این معیار اعمال نیروهای هلندی به سازمان ملل منتسب است.

معیار کنترل کلی علاوه بر رویه قضایی در دکتترین نیز طرفدارانی دارد؛ نظر ساروشی به‌نوعی مؤید نظریه کنترل کلی است. وی معتقد است شورای امنیت به دو دلیل نمی‌تواند اختیار نامحدود کنترل و فرماندهی نیروهای نظامی را به دول عضو تفویض کند؛ دلیل اول اینکه خود شورا از چنین اختیاری برخوردار نیست. طبق ماده ۴۴ منشور ملل متحد شورای امنیت برای تصمیم‌گیری در مورد نیروهای نظامی، می‌بایست از دول متبوع آنها دعوت کند. در برابر این تعهد ساروشی معتقد است دولت‌های اعزام‌کننده نیرو حق دارند تا مورد مشورت قرار گیرند و در تصمیم‌گیری در مورد نیروهای خود مشارکت جویند؛ دوم اینکه شورا همیشه باید کنترل کلی اختیارات تفویض شده در چارچوب فصل هفتم را برای خود حفظ کند. به نظر ساروشی شرط ضمنی اعطای نمایندگی از طرف شورای امنیت این است که در هر زمان شورا بتواند نحوه اعمال صلاحیت‌های تفویض شده را تغییر دهد. اعطای نمایندگی در چارچوب فصل هفتم در واقع در راستای نظام امنیت جمعی است و کنترل کلی شورای امنیت تضمین می‌کند که اعطای نمایندگی در راستای منافع ملل متحد بوده است (Danesh Sarooshi, 1999: 34-35).

در ۵ جولای ۲۰۱۱ دادگاه تجدیدنظر لاهه (هلند) مقرر داشت هلند مرتکب عمل غیرقانونی شده است و به‌علت اخراج ۴ تبعه بوسنیایی در ۱۲ جولای ۱۹۹۵ از اردوگاه نیروهای هلندی در سربرنیتسا مسئول است. دادگاه تجدیدنظر برخلاف دادگاه منطقه‌ای در پرونده مذکور از معیار کنترل مؤثر استفاده کرد. این در حالی بود که دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده بهرامی و سراماتی از استاندارد کنترل نهایی برای انتساب مسئولیت استفاده کرده بود. در همان زمان دولت هلند مسئولیت سیاسی این واقعه را پذیرفت. اما طبق رأی دادگاه تجدیدنظر، دولت هلند نه تنها مسئولیت سیاسی دارد، بلکه دارای مسئولیت حقوقی نیز است (Andre Nollkaemper, 2011, 1144). دادگاه تجدیدنظر برای اعمال معیار کنترل مؤثر به دو مبنا توجه داشت: اول اینکه نیروهای هلندی تحت دستور خاص اقدام دولت عمل کردند. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا عنوان می‌کند تجهیز، پشتیبانی، طراحی کلی عملیات برای انتساب اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به دولت خوانده کافی نیست. چنین اعمالی بدون کنترل آمریکا هم توسط کنترها انجام می‌گرفت (ICJ Rep, 1986: para. 115). از این‌رو کنترل

مؤثر نیازمند دستور خاص در انجام هر عملیات مشخص است (ICJ Rep, 1986: para. 80)؛ دوم کدامیک از دولت هلند و سازمان ملل قدرت جلوگیری از وقوع این حادثه را داشتند؟ دادگاه هلند با اعمال این معیار نتیجه می‌گیرد که اخراج اعضای خانواده نوهانویچ و مصطفیچ از اردوگاه به دولت هلند قابل انتساب است، چراکه در آن دوره نیروهای هلندی تحت دستور دولت متبوع خود بودند و این دولت قدرت جلوگیری از اخراج آن را داشته است (Court of Appeal of The Hague, 2011: para. 5.9). در دکتترین نیز معیار کنترل مؤثر مورد عنایت برخی نویسندگان است. تام دن‌بنام در مورد کنترل مؤثر عنوان می‌دارد این معیار نه تنها از لحاظ حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی تضمین می‌کند شخصی مسئول است که بیشترین قدرت را در جلوگیری از نقض حقوق بشر داشته است (Tom Dannenbaum, 2010:158).

همان‌طور که از آرای مذکور برمی‌آید، با توجه تشتت آرا و دکتترین‌های متفاوت در زمینه معیار انتساب عمل و مسئولیت، نمی‌توان از وجود عرف بین‌المللی در این زمینه سخن گفت. با این حال کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی با انتخاب معیار کنترل مؤثر در جهت توسعه حقوق بین‌الملل گام برداشته است. اگرچه رویه قضایی در این زمینه به اندازه‌ای نیست که بتوان از عرف بین‌المللی سخن گفت، تمایل رویه قضایی در سال‌های اخیر به اعمال معیار کنترل مؤثر، زمینه‌های شکل‌گیری عرف بین‌المللی در این حوزه را فراهم ساخته است و می‌تواند به این تشتت پایان دهد.

همسویی رویه قضایی با پیش‌نویس مواد در زمینه مسئولیت

سازمان‌های بین‌المللی

همان‌طور که در بخش قبل تبیین شد، رویه قضایی برای تعیین معیار مناسب برای انتساب عمل، دچار تشتت بوده و به‌نوعی در مرحله آزمون و خطا قرار داشته است. اما در سال‌های اخیر رویه قضایی با اعمال معیار کنترل مؤثر در جهت همگام‌سازی رویه قضایی با پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در حرکت است.

پس از اینکه کمیسیون طرح پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها را با موفقیت به اتمام رساند، بررسی مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را آغاز کرد. بدین‌منظور آقای جورجیو گایا را به‌عنوان مخبر ویژه کمیسیون برگزید. در نهایت در سال ۲۰۱۱ متن پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در ۶۷ ماده تکمیل و به مجمع عمومی تقدیم شد. طبق پیش‌نویس اخیر، در صورتی که ارگان یا نماینده دولتی در اختیار یک سازمان بین‌المللی قرار گیرد، معیار انتساب عملکرد را کنترل مؤثر عنوان می‌کند. به نظر کمیسیون دولت یا سازمان بین‌المللی ارسال‌کننده نیرو می‌تواند موافقت‌نامه‌ای با سازمانی که نیروها را در اختیار می‌گیرد، منعقد

کند. در این موافقت‌نامه طرفین می‌توانند معین کنند که در صورت نقض تعهد مسئولیت به عهده دولت یا سازمان بین‌المللی ارسال‌کننده نیرو یا سازمان بین‌المللی پذیرنده نیرو است. براساس ماده ۹ مدل قرارداد مشارکت، در مورد نیروهای نظامی که در اختیار سازمان ملل قرار می‌گیرند، در صورت تخلف و ورود خسارت، در برابر ثالث سازمان ملل مسئول است، اما در صورتی که تسامح فاحش یا سوء رفتار عامدانه‌ای انجام گیرد، سازمان ملل می‌تواند به دولت مشارکت‌کننده مراجعه کند. نکته حائز اهمیت اینکه قرارداد اخیر، که صرفاً مربوط به انتساب مسئولیت است نه انتساب رفتار، تنها در رابطه طرفین قرارداد مجری است و از این رو دولت ثالث می‌تواند به طرفی که طبق قواعد عام حقوق بین‌الملل مسئولیت منتسب به اوست، بدون توجه به این موافقت‌نامه مراجعه کند (ILC, 2011: 20). دادگاه منطقه‌ای لاهه در پرونده نوه‌ویچ نیز به این مسئله اشاره می‌کند. خواهان در این پرونده معتقد است نظارت کافی بر نیروهای هلندی برای رعایت استانداردهای حقوق بشری وجود نداشت و این عدم نظارت به دولت هلند قابل انتساب است. با این حال با اشاره به اینکه این نیروها در اختیار سازمان قرار داشتند و سازمان کنترل و فرماندهی عملیاتی خود را بر آنها اعمال می‌کرد، از این رو اعمال آنها به سازمان منتسب می‌شود. حتی اگر طبق ماده ۹ قرارداد مشارکت، نیروهای هلندی مرتکب تسامح فاحش و سوء رفتار عامدانه‌ای شوند، صرفاً دولت هلند در برابر سازمان ملل مسئول است. به عبارت دیگر در این مورد دولت هلند شخص ثالث محسوب می‌شود و تنها سازمان ملل می‌تواند به این دولت مراجعه کند (District Court in The Hague, 2008: para 4.13).

کمیسیون کنترل مؤثر را این‌گونه تعریف می‌کند: اعمال کنترل واقعی بر عمل مشخص ارگانی که در اختیار سازمان بین‌المللی قرار گرفته است. به عبارت دیگر برای انتساب عمل، باید دید کدام‌یک از دولت یا سازمان ارسال‌کننده نیرو یا سازمان دریافت‌کننده بر عمل ارگان مذکور کنترل واقعی دارند (ILC, 2011: 20). کمیسیون همچنین به نقل از گزارش دبیر کل سازمان ملل در مورد جنبه‌های اجرایی و مالی عملیات حفظ صلح ملل متحد (۱۹۹۶) عنوان می‌کند که در عملیات مشترک می‌بایست میزان کنترل مؤثر در انتساب عمل به طرفین ملاک قرار گیرد. دبیر کل در این گزارش عنوان می‌دارد مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد در عملیات مشترک مفروض است، چراکه فرض بر این است این عملیات به دستور و کنترل منحصربه‌فرد سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد. همچنین دبیر کل عنوان می‌دارد که برای انتساب مسئولیت در وهله اول می‌بایست به موافقت‌نامه همکاری میان طرفین رجوع کرد. در غیاب موافقت‌نامه، در هر مورد انتساب مسئولیت با توجه به میزان کنترل مؤثر تعیین می‌شود (ILC, 2011: 23).

از جمله انتقادهای وارد به ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، این است که میزان کنترلی را که سازمان باید بر ارگان دولت یا سازمان دیگر داشته باشد تا به

آستانه کنترل مؤثر برسد و متعاقباً اعمال ارگان مذکور به سازمان منتسب شود، معین نمی‌کند. به عبارت دیگر، کمیسیون معین نمی‌کند کنترل باید به چه میزانی باشد تا کنترل مؤثر محقق شود (Paolo Palchetti, 2015:35). تفسیر کنترل مؤثر (که نیازمند تأمین آستانه بالایی است)، بسیار پیچیده و اثبات وجود کنترل مؤثر بسیار دشوار است. از این رو این مسئله منجر به این نتیجه می‌شود که در اغلب موارد کنترل سازمان بر ارگان به خدمت گرفته شده به آستانه کنترل مؤثر نمی‌رسد، در نتیجه اغلب دولتی که نیروهای خود را ارسال کرده است، مسئول قلمداد می‌شود. این مسئله در نهایت می‌تواند به کاهش همکاری دولت‌ها با سازمان ملل، در زمینه مأموریت‌های حفظ صلح بینجامد. به همین دلیل به نظر نمی‌رسد آستانه‌ای که کمیسیون در ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی برای تحقق کنترل مؤثر مدنظر قرار داده است، با آستانه کنترل مؤثر در پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها به طور کامل مطابقت داشته باشد. از سیاق ماده ۷ چنین برمی‌آید که مفهوم کنترل در این ماده به این معنا نیست که رفتار مشخص به طور کامل به کدام دولت یا سازمان منتسب می‌شود، بلکه به این معناست که به کدام یک از نهادهای مذکور قابل انتساب است (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۴، ۵۴-۵۳). به عبارت دیگر نیاز نیست که عمل انجام گرفته به دستور و کنترل خاص سازمان انجام گیرد تا کنترل مؤثر در چارچوب ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌ها تحقق یابد. به نظر می‌رسد کمیسیون بر این واقعیت توجه داشته که اگر آستانه بالایی را برای تحقق کنترل مؤثر در نظر بگیرد (همان‌طور که عنوان شد)، اغلب مسئولیت به دولت ارسال‌کننده نیرو منتسب می‌شود. از این رو اگرچه در ماده ۷ به صراحت عنوان نشده، برای تحقق کنترل مؤثر در سیاق ماده ۷ آستانه پایین‌تری از آنچه در پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها آمده است، کفایت می‌کند (Paolo Palchetti, 2016:104). رویه قضایی نیز با تمایل به پیش‌نویس مواد سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر معیار کنترل مؤثر را مدنظر داشته است.

در سال ۲۰۱۲ دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده هلال عبدالرزاق علی الجدا علیه بریتانیا با استناد به پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی معیار کنترل مؤثر را مورد توجه قرار می‌دهد. الجدا در سال ۱۹۵۷ در عراق متولد شده است و در سال ۱۹۷۸ به امارات متحده عربی و پاکستان می‌رود. در سال ۱۹۹۲ به انگلستان رفته و در سال ۲۰۰۰ تابعیت این کشور را کسب می‌کند. در سال ۲۰۰۴ الجدا برای سفر به عراق ابتدا به امارات می‌رود. اما در دبی توسط مأموران امنیتی امارات متحده عربی دستگیر و بعد از ۱۲ ساعت آزاد می‌شود. در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۴، سربازان ایالات متحده، ظاهراً براساس اطلاعات ارائه شده توسط سرویس‌های اطلاعاتی انگلستان، وی را در خانه خواهرش در بغداد دستگیر می‌کنند. الجدا به وسیله یک هواپیمای نظامی بریتانیایی به بصره منتقل می‌شود، متعاقباً در بازداشتگاهی که توسط نیروهای بریتانیا

اداره می‌شد، زندانی می‌شود. وی به اتهام همکاری با گروه‌های تروریستی تا ۳۰ دسامبر ۲۰۰۷ در زندان بود (ECtHR, 2011: Para 9-15).

دادگاه اروپایی حقوق بشر در این پرونده عنوان می‌دارد دولت آمریکا و بریتانیا در زمان اشغال عراق با تشکیل ائتلاف موقت، همواره صلاحیت‌های دولتی را اعمال می‌کردند. اگرچه از دولت آمریکا درخواست شد تا در مورد فعالیت‌های نظامی در عراق گزارش‌های دوره‌ای به سازمان ملل ارائه کند، با این حال سازمان ملل هیچ‌گونه کنترلی بر فعالیت نیروهای نظامی و سایر کارکردهای اجرایی ائتلاف موقت نداشته است (ECtHR, 2011: Para 80). متعاقباً دادگاه با اشاره به معیار کنترل مؤثر در پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی عنوان می‌دارد شورای امنیت سازمان ملل نه کنترل مؤثری بر فعالیت نظامیان نیروهای چندملیتی داشته است و نه کنترل نهایی، بنابراین بازداشت خواهان به سازمان ملل متحد قابل انتساب نیست (ECtHR, 2011: para 84).

از دیگر پرونده‌های قابل ذکر در این زمینه، پرونده مادران سربرنیتسا است (ECtHR, 2013). (para.11) سربرنیتسا شهری در شرق بوسنی بود و جمعیت آن را اغلب بوسنیایی‌ها و صرب‌ها تشکیل می‌دادند؛ جمعیت بوسنیایی‌ها سه برابر صرب‌ها بوده است (ECtHR, 2013: para.12). صرب‌ها که به دنبال تشکیل جمهوری سرپسکا (جمهوری صرب بوسنی) بودند، در سال ۱۹۹۲ به سربرنیتسا حمله کردند (ECtHR 2013: para. 13). در ۱۶ آوریل ۱۹۹۳ شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه ۸۱۹ را صادر کرد و سربرنیتسا و اطراف آن را منطقه امن اعلام کرد و از متخاصمان خواست که از حمله مسلحانه یا هرگونه عمل خصمانه نسبت به این مناطق خودداری ورزند. (ECtHR, 2013, para.14). در منطقه امن (که توسط صرب‌ها محاصره شده بود) نیروهای بوسنیایی خلع سلاح شده، جمعیت غیرنظامی، ساکنان محلی و ۴۰۰ نظامی هلندی حضور داشتند. (ECtHR, 2013: para.16). حادثه سربرنیتسا در ۳ ژوئن ۱۹۹۵ با حمله به برج دیدبانی آغاز شد و در ۱۱ جولای با گرفتن شهر سربرنیتسا به اوج خود رسید (Hague District Court, 2014: para 2.21). بعد از ظهر ۱۱ جولای، قبل از سقوط سربرنیتسا، ده‌ها هزار پناهنده مسلمان بوسنی به سمت اردوگاه نیروهای هلندی در پوتوکاری فرار کردند، چراکه این منطقه به عنوان منطقه امن تعیین شده بود (Hague District Court, 2014: para 2.35). در حالی که حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار مسلمان مرد بوسنیایی به جنگل‌های اطراف پوتوکاری پناه بردند، اما ۶۰۰۰ نفر از این مردان توسط نیروهای صربی دستگیر شدند (Hague District Court, 2014: paras. 2.35-36). متعاقب این حوادث فرمانده نیروهای هلندی با ژنرال ملادیچ مذاکره کرد. در نتیجه این مذاکرات ملادیچ می‌پذیرد پناهندگان با امنیت منطقه امن را تخلیه

1. safe area
2. Potočari
3. mini safe area

کنند (Hague District Court, 2014: paras. 2.39, 4.212). با این حال نیروهای صربی به بهانه بازجویی از افرادی که مظنون به جنایت جنگی بودند، عده‌ای از مردان راه، از سایرین جدا می‌کند و آنها را به همراه کسانی که در جنگل دستگیر کرده بودند (در مجموع حدود ۷۰۰۰ نفر را)، به قتل می‌رسانند (Hague District Court, 2014: paras. 2.43, 45.2, 45.5, 45.10). بازماندگان قربانیان حادثه در دادگاه لاهه علیه دولت هلند و سازمان ملل طرح دعوا می‌کنند. دادگاه منطقه‌ای حکم به مصونیت مطلق سازمان ملل می‌دهد و در مورد دولت هلند اعلام می‌کند که طبق حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دولت هلند هیچ الزامی به جلوگیری از ارتکاب ژنوسید ندارد و طبق کنوانسیون ممانعت و مجازات ژنوسید دولت‌ها صرفاً باید تضمین کنند که ارتکاب ژنوسید بدون مجازات باقی نمی‌ماند (ECtHR, 2013: para. 66). همچنین دادگاه منطقه‌ای با استناد به آرای قبلی دیوان عالی اروپا عنوان می‌کند که مصونیت دولت حتی با نقض قاعده آمره ملغی نمی‌شود (ECtHR, 2013: para. 67). در نهایت دادگاه منطقه‌ای فقدان صلاحیت خود را با استناد به مصونیت سازمان ملل اعلام می‌کند (ECtHR, 2013: para. 71). دادگاه استیناف لاهه در این پرونده عنوان می‌دارد حتی اگر در صورت ارتکاب ژنوسید مصونیت لغو شود، باز هم در این پرونده سازمان ملل مبادرت به ژنوسید نکرده است تا مصونیت آن لغو شود. حداکثر اتهام وارد بر سازمان ملل این است که از ارتکاب ژنوسید آنچنان که باید جلوگیری نکرده است. دادگاه استیناف نیز به مصونیت سازمان رأی می‌دهد (ECtHR, 2013: para. 81). دیوان عالی هلند نیز با حکم به مصونیت سازمان ملل عنوان می‌دارد هرچه جنایت شدید باشد، باز هم به مصونیت سازمان ملل خللی وارد نمی‌شود (ECtHR, 2013: para. 94). پرونده مادران سربرنیتسا در سال ۲۰۱۴ نیز در دستور کار دادگاه منطقه‌ای لاهه قرار گرفت. دادگاه منطقه‌ای در این پرونده برخلاف پرونده نوهانویچ معیار کنترل مؤثر را مدنظر قرار می‌دهد. دادگاه (با توجه به پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی) کنترل مؤثر را کنترل واقعی دولت بر اقدامات خاص نیروهای هلندی تعریف می‌کند (Hague District Court, 2014: para. 4.34). برای بررسی کنترل مؤثر در این پرونده، دادگاه در ابتدا بررسی می‌کند دولت هلند تا چه حد کنترل و فرماندهی نیروهای هلندی را به سازمان ملل انتقال داده است. در این مورد دادگاه نتیجه می‌گیرد پس از اینکه دولت هلند موافقت می‌کند که نیروهای خود را در اختیار سازمان ملل قرار دهد، عملاً کنترل و فرماندهی آنها به سازمان ملل واگذار می‌شود و به عنوان نیروی حفاظت سازمان ملل عمل می‌کنند (Hague District Court, 2014: para 4.37). از طرف دیگر دولت هلند برخی صلاحیت‌ها را برای خود حفظ کرد: نظارت بر انتخاب و آموزش نیروهای نظامی، صلاحیت بر خروج نیروهای نظامی از مأموریت، نظارت بر انضباط پرسنل نظامی و اعمال

صلاحیت کیفری بر نیروهای هلندی در صورت ارتکاب جنایت (Hague District Court, 2014: para. 4.41) با توجه به اینکه دولت هلند برخی صلاحیت‌ها را برای خود حفظ کرد، دادگاه از یک طرف میان اعمالی که نیروهای هلندی به دستور سازمان ملل انجام داده‌اند، از طرف دیگر اعمالی که به دستور دولت هلند یا عملی که به‌طور مستقل خارج از چارچوب دستورهای سازمان ملل انجام داده‌اند، تفکیک قائل می‌شود (Hague District Court, 2014: paras. 4.57-58, 68).
 بالتبع هر عملی که به دستور سازمان ملل انجام گرفته به دولت هلند قابل انتساب نیست (Hague District Court, 2014: paras. 4.57, 68). اما اعمالی که برخلاف دستورهای سازمان ملل انجام گرفته، چه به دستور دولت هلند بوده یا خیر، به دولت اخیر منتسب می‌شود، چراکه دولت هلند کنترل مؤثری بر آماده‌سازی، خروج و انضباط نیروهای هلندی اعمال می‌کرده است (Hague District Court, 2014: paras. 4.41, 57-58). البته دادگاه عنوان می‌دارد قبل از سقوط سربرنیتسا دولت هلند هیچ‌گونه کنترل مؤثری بر نیروهای هلندی نداشته است (Hague District Court, 2014: para. 4.79).
 اما بعد از سقوط سربرنیتسا به دو دلیل دولت کنترل مؤثری بر نیروهای هلندی داشته است؛ اول اینکه تنها گروه نظامی که در منطقه حضور داشته و بر منطقه مسلط بوده، نیروهای هلندی بوده‌اند. دوم اینکه بعد از سقوط سربرنیتسا سازمان ملل کنترلی بر منطقه پوتوکاری نداشته است و از این رو کنترل مؤثر دولت مفروض و مسئولیت به دولت قابل انتساب است (Hague District Court, 2014: para. 4.154). دادگاه منطقه‌ای در نهایت عنوان می‌دارد با توجه به اینکه فرمانده نیروهای حفاظت سازمان ملل آقای گوپیلیارد به نیروهای هلندی دستور می‌دهد که از پناهندگان محافظت کنند تنها اعمال نیروهای هلندی که در راستای این دستور باشد به سازمان ملل منتسب می‌شود و سایر عملکردها و رای دستور سازمان یا تخلف از آن محسوب شده و به دولت هلند قابل انتساب است. همچنین دولت هلند قبل از دوره انتقال و همچنین محدوده مکانی خارج از منطقه امن، کنترل مؤثری نداشته، از این رو فعالیت‌های انجام گرفته در محدوده زمانی و مکانی مذکور به دولت هلند منتسب نمی‌شود (Hague District Court, 2014: para. 4.87).
 دادگاه استیناف در سال ۲۰۱۷ این رأی را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهد. دادگاه استیناف نیز با اشاره به ماده ۷ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی معیار کنترل مؤثر را اعمال می‌کند. با این حال دادگاه استیناف با استناد به ماده ۸ پیش‌نویس مذکور، اعمالی را که ورای دستورهای سازمان ملل یا برخلاف آن انجام گرفتند، به دولت قابل انتساب نمی‌داند. ماده ۸ مقرر می‌دارد: «عمل ارگان یا نماینده یک سازمان بین‌المللی طبق حقوق بین‌الملل عمل آن سازمان تلقی می‌شود اگر ارگان یا نماینده مذکور در ظرفیت رسمی و در چارچوب کارکردهای

کلی آن سازمان عمل نماید حتی اگر عمل فراتر از صلاحیت آن ارگان یا نماینده بوده یا نقض دستورات محسوب گردد». دادگاه با توجه به عبارت اُخرای ماده ۸ معتقد است اگر نیروهای هلندی در ظرفیت رسمی و در چارچوب کارکردهای کلی سازمان ملل عمل کرده باشند، عملکردهای آن به سازمان منصوب می‌شود، حتی اگر ورای فرامین سازمان یا برخلاف دستورهای آن عمل کرده باشند (Court of Appeal of The Hague, 2017: para. 15.2). به نظر دادگاه استیناف مأموران حافظ صلح هلندی حادثه سربرنیتسا فراتر از ظرفیت رسمی خود به‌عنوان مأموران حافظ صلح عمل نکرده‌اند؛ تصمیم در مورد ترک منطقه، بازپس‌گیری برج دیدبانی، تصمیم‌گیری در مورد تسلیحات خود و تسلیحات ضبط‌شده، استقرار مناسب ابزار پزشکی و... تماماً از وظایف و صلاحیت‌های مأموران حافظ صلح ملل متحد است (Court of Appeal of The Hague, 2017, para.16.1). در نهایت دادگاه نتیجه می‌گیرد دولت هلند تنها در دوره انتقال بر اعطای کمک‌های بشردوستانه و آماده‌سازی پناهجویان برای تخلیه منطقه امن کنترل مؤثر داشته است. از این رو اعمال نیروهای هلندی در محدوده مذکور به دولت هلند قابل انتساب است (Cedric Ryngaert, 2017: 456). بنابراین دادگاه استیناف برخلاف دادگاه منطقه‌ای لاهه معتقد نیست اعمالی که نیروهای هلندی برخلاف دستورهای سازمان انجام داده‌اند به دولت منتسب است (Court of Appeal of The Hague, 2017, para.25). همان‌طور که ملاحظه شد، رویه قضایی در سال‌های اخیر با ملاک قرار دادن کنترل مؤثر، به‌نظر می‌رسد در راستای همگام‌سازی رویه قضایی با طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی‌اند.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین اهداف سازمان ملل، حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است. سازمان ملل متحد پس از شکل‌گیری در راستای حفظ، اعاده و تحکیم صلح بین‌المللی مأموریت‌های حفظ صلح را ایجاد کرد. منشأ تاریخی عملیات حفظ صلح را باید در بحران‌های فلسطین (۱۹۴۸)، جامو و کشمیر (۱۹۴۹) جست‌وجو کرد، اما عملیات حفظ صلح رسماً پس از اعزام نیرو به خاورمیانه در بحران کانال سوئز (۱۹۵۶) و بحران کنگو (۱۹۶۰) به‌وجود آمد و پس از آن در سایر اقصی نقاط جهان گسترش یافت. سازمان ملل تا سال ۲۰۱۰، ۵۰ عملیات حفظ صلح انجام داده است. برای تأمین این عملیات ۱۲۳ کشور ۷۵۰۰۰۰ نیروی نظامی و انتظامی خود را به اختیار سازمان ملل قرار دادند. (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۵۳۷-۵۳۶). تبعاً چنین حضور گسترده‌ای در مناطق

۱. دوره انتقال از ۱۱ جولای ۱۹۹۵ یعنی زمانی که سربرنیتسا تحت سلطه نیروهای صربی قرار گرفته است، آغاز می‌شود. اهمیت این تاریخ در این است که از این تاریخ دولت هلند کنترل مؤثر بر نیروهای هلندی در منطقه امن اعمال کرده است. Kelsey Gasseling, 2017: 351

مختلف جهان، در کنار آثار مثبتی که در مورد اعاده صلح دارد، مسائل و چالش‌های جدیدی را در حقوق بین‌الملل به وجود می‌آورد. از مهم‌ترین مسائل مربوط به نیروهای حافظ صلح مسئله ملاک مناسب برای انتساب اعمال آنها بوده است. ملاک‌های متعددی شامل کنترل کلی مؤثر، کنترل نهایی، کنترل کلی، و کنترل مؤثر در رویه قضایی مطرح شدند، اما پس از تهیه متن پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی محاکم عموماً به سمت اعمال کنترل مؤثر گام برداشته‌اند. با این حال با توجه به فقدان رویه کافی در حقوق بین‌الملل، هنوز زود است تا از شکل‌گیری عرف بین‌المللی در این زمینه سخن بگوییم.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد.
۲. زمانی، قاسم (۱۳۹۲)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: شهر دانش.
۳. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۴)، *حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه عبدالله عابدینی، خلیل روزگاری، تهران: خرسندی.

ب) مقالات

۴. الهویی نظری، حمید، امیرفامیل زوار جلالی (۱۳۹۶)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و هفتم، ش ۳، ص ۷۴۷-۷۲۵.
۵. زمانی، قاسم؛ صدیقیان کاشانی، منصوره (۱۳۹۲)، «قربانیان صلح: مسئولیت سازمان ملل و سازوکارهای جبران خسارت»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، سال اول، ش ۱، ۱۷۲-۱۳۹.
۶. سیفی، جمال؛ عبدالهی، محسن؛ ملکی‌زاده، امیرحسین (۱۳۹۰)، «قابلیت انتساب مسئولیت در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو قضیه ژنوساید (بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو)»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۵، ص ۳۰۲-۲۸۵.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Beigzadeh, Ebrahim (2012), *Law of International Organizations*, Tehran, Majd Publications (In Persian).
2. United Nations Commission on International Law (2015), *Responsibility of international organizations*, Translated by Abdullah Abedini, Khalil Roozgari, Tehran, Khorsandi Publications (In Persian).

3. Zamani, Ghasem (2013), *Law of International Organizations*, Tehran, Shahre Danesh Publications (In Persian).

B) Articles

4. Alhooyee Nazari, Hamid & Famil Zavar Jalali, Amir (2017), "International Responsibility of the States Providing Finance to Terrorism", *the Public Law Studies Quarterly*, Vol. 47, Issue 3, pp. 725-747 (In Persian).
5. Cassese, Antonio (2007), "The Nicaragua and Tadić Tests Revisited in Light of the ICJ Judgment on Genocide in Bosnia", *The European Journal of International Law*, Vol. 18, No. 4, EJIL, 649-668.
6. Danesh Sarooshi (1999), "The General Legal Framework Governing the Process of a Delegation by the UN Security Council of its Chapter VII Powers", *Clarendon Press Oxford*, 3-49.
7. Dannenbaum Tom (2010), "Translating the Standard of Effective Control into a System of Effective Accountability: How Liability Should Be Apportioned for Violations of Human Rights by Member State Troop Contingents Serving as United Nations Peacekeepers", *Harvard International Law Journal*, Vol. 51, 113-192.
8. Gasseling, Kelsey (2017), "The Legacy of Srebrenica: Potential Consequences of Reducing Liability for Troop Contributing Countries in Modern UN Peacekeeping Operations", *40 B.C. Int'l & Comp. L. Rev.* pp.343, 343-361.
9. Larsen, Kjetil Mujezinović (2008), "Attribution of Conduct in Peace Operations: The 'Ultimate Authority and Control' Test", *The European Journal of International Law*, Vol. 19, No. 3, EJIL 509-531.
10. Messineo, Francesco (2009), "The house of lords in al-jedda and public international law: Attribution of conduct to un-authorized forces and the power of the security council to displace human rights", *Netherlands International Law Review*, pp.35-62.
11. Nollkaemper, Andre (2011), "Dual Attribution: Liability of the Netherlands for Conduct of Dutchbat in Srebrenica", *Journal of International Criminal Justice* 9, pp.1143-1157.
12. Palchetti, Paolo (2015), "International Responsibility for Conduct of UN Peacekeeping Forces: the question of attribution", *University of Macerata*, pp.19-56.
13. Palchetti, Paolo (2016), "Who must bear international responsibility for wrongful conducts of UN peacekeeping forces?", *Право и управление. XXI век*, pp.98-114.
14. Ryngaert, Cedric (2017), "Peacekeepers Facilitating Human Rights Violations: The Liability of the Dutch State in the Mothers of Srebrenica Cases", *Netherlands Judicial Developments*, pp.453-535.
15. Seifi, Seyed Jamal & Abdollahi Mohsen, Malekizadeh Hossein (2012), "Ability to assign responsibility in International Court of Justice proceedings in the light of the Geoside case (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)", *legal research quarterly*, Vol. 14, Issue 107, pp. 285-302 (In Persian).
16. Talmon, Stefan (2009), "The responsibility of outside powers for acts of secessionist entities", *58 Int'l & Comp. L.Q.* 493, 493-517.
17. Zamani, Qasem & Sedighiyan Kashani, Mansoureh (2013), "Victims of Peace: UN Responsibility and Compensation Mechanisms", *Journal of international organizations*, Vol. 1, issue 1, pp.139-172 (In Persian).

C) Cases

18. Court of Appeal of The Hague, Nuhanovic v. Netherlands, 5 July 2011, No.200.020.174/01, available at: http://www.nuhanovicfoundation.org/user/file/2011_nuhanovic_court_of_appeal_judgment.pdf
19. Court of Appeal of The Hague, X and Stichting Mothers of Srebrenica v. State of the Netherlands, judgment of 27 June 2017, No.200.160.317.
20. ECtHR, Application No. 71412/01 Agim Behrami and Bekir Behrami v. France, and App. No. 78166/01 Ruzhdi Saramati v. France, Germany and Norway, Grand Chamber decision of 2 May 2007.
21. ECtHR, Case of al-jedda v. the United kingdom, 7 July 2011.
22. ECtHR, Case of Loizidou v. Turkey, No. 40/1993/435/514, 18 December 1996
23. Hague District Court, Mothers of Srebrenica/Netherlands, 16 July 2014, No. 09/295247 / HA ZA 07-2973.
24. ICJ report, Nicaragua v. United States of America, case concerning military and paramilitary activities in and against nicaragua, Judgment of 27 June 1986.
25. ICTY, Appeals Chamber, Tadić case , 15 July 1999 ,Case no. IT-94-1-A.
26. The European Court of Human Rights, Stichting mothers of srebrenica and others against the Netherlands, Application No. 65542/12, 11 June 2013.

D) Documents

27. Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries, 2011, A/66/10
28. Remarks of the Secretary-General, 1 December 2016. Retrieved from <https://www.un.org/sg/en/content/sg/statement/2016-12-01/secretary-generals-remarks-general-assembly-new-approach-address>.